

# عوامل مؤثر بر اولویت‌ها و علاقه دانش‌آموزان مناطق پنج‌گانه شهر اصفهان به سریال‌های تلویزیونی و تحلیل محتوای موضوعی آنها

مجتبی شانهوشی\*  
شهره کریمی\*\*

هدف از انجام پژوهش حاضر، بررسی عوامل مؤثر بر گرایش دانش‌آموزان دوره متوسطه شهر اصفهان به سریال‌های تلویزیونی پربیننده و تحلیل موضوع و محتوایی این سریال‌ها می‌باشد، که یک فرضیه کلی و شش فرضیه جزئی جهت دستیابی به هدف فوق مطرح گردیده است. جهت بررسی موضوعی و محتوایی سریال‌ها از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده گردید. و همچنین برای بررسی نظرات دانش‌آموزان در رابطه با عوامل مؤثر، روش توصیفی - پیمایشی به کار گرفته شد. حوزه پژوهش: سریال‌های پربیننده تلویزیونی منتخب دانش‌آموزان و جامعه آماری مورد مطالعه، کلیه دانش‌آموزان روزانه دولتی مقطع دبیرستان و پیش‌دانشگاهی نواحی پنجگانه شهر اصفهان در سال تحصیلی ۸۱ - ۸۰ بوده است. که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای، تعداد ۳۹۱ نمونه

---

\*. عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهاقان

\*\* کارشناس ارشد جامعه‌شناسی

انتخاب شد. ابزار جمع‌آوری اطلاعات، فرم‌های نظر سنجی طراحی شده و همچنین پرسشنامه محقق ساخته با ۲۵ سؤال باز و بسته بوده است که اعتبار پرسشنامه براساس ضریب همبستگی اسپیرمن ۸۵ درصد برآورد گردید. سوالات پرسشنامه در قالب ویژگی‌های نمونه آماری مورد بررسی قرار گرفت. سریال‌ها توسط دانش‌آموزان اولویت بندی گردید و تحلیل محتوا، نوع سریال‌ها و میزان برخی شاخص‌های مورد نظر را مشخص کرد.

**مفاهیم کلیدی:** سریال، جوان، دانش‌آموز، تلویزیون، تمایل، محتوای شناختی، صحنه‌های انتظاری، تحلیل محتوا.

### مقدمه

موضوع ارتباطات و وسایل ارتباط جمعی، در گذر از پایان دو هزاره میلادی به جایی رسیده است که با بسیاری از پدیده‌ها و امور دیگر حیات مرتبط شده و بر آنها تأثیر گذارده است. نقش تعیین‌کننده‌ای که ارتباط در زندگی انسان قرن بیستم ایفا می‌کند تا جایی است که برخی از پژوهشگران اجتماعی به ویژه آنهایی که در زمینه‌های مربوط به ارتباطات جمعی مطالعه می‌کنند ترجیح می‌دهند به جای «عصر اتم» از «عصر ارتباطات» سخن بگویند.

«وسایل ارتباط جمعی به مجموعه وسایلی اطلاق می‌شود که انتقال پیام سمعی و بصری و یا هر دو را به سوی مردمی بسیار و در مناطقی دوردست موجب می‌شوند. شاخص این وسایل، ارتباط آنان با جمع است یعنی رسانه‌های همگانی، ابزار و وسائل هستند که بین فرد و جمع و یا جمع و جمع ایجاد ارتباط می‌کند»

بنابراین در دنیای کنونی ما این وسایل از جمله مهمترین عوامل تشکیل دهنده افکار عمومی هستند و یکی از مناسبترین شاخص‌ها برای توسعه فرهنگی و اجتماعی به شمار می‌آیند. امروزه جامعه‌ای توسعه یافته و پیشرفته تلقی می‌شود که بتواند در کنار شاخص‌های اقتصادی بر معیارهای آموزشی و اطلاعاتی و در حقیقت بر عنصر دانایی و آگاهی تأکید کند.

بررسی واکنش‌های مخاطبان به نوع محتوای رسانه‌ها نشان می‌دهد که رسانه‌های گروهی نقش مهمی در شکل‌دهی به این نگرش‌ها و پذیرش اجتماعی دارند. یکی از این رسانه‌های عمومی که تقریباً اکثر خانواده‌ها از آن تأثیر می‌پذیرند تلویزیون است.

تلویزیون می‌تواند با تولید و پخش مطلوب اطلاعات، نقش فزاینده بهره‌وری اجتماعی از آگاهی‌های گوناگون و ضروری را برعهده گیرد و جامعه را در نیل به تعالی و ترقی همه جانبه یاری رساند که انجام تحقیق حاضر نیز در ارتباط با این مهم بوده است.

### طرح مسأله:

یکی از مهمترین نهادهای ارتباط جمعی، «تلویزیون» است که در پرورش و رشد متوازن اقشار مختلف مردمی نقشی انکارناپذیر دارد و خود منادی ارزش‌های معنوی و مادی موجود در جامعه است. به عبارت دیگر: تلویزیون دو کارکرد «جامعه‌سازی» و «انتقال ارزش‌ها» را برعهده دارد. در جامعه‌سازی با تأثیرگذاری بر اندیشه، افکار، عقاید و در نهایت رفتارهای فردی و جمعی تلاش می‌کند تا نظام اجتماعی در ابعاد گوناگون ساخته شود و فرایند جامعه‌سازی میسر گردد و در بعد انتقال ارزش‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فلسفه و ... نیز سعی می‌شود هر برنامه حاوی پیامی باشد که از ارزش‌های مطلوب جامعه مایه بگیرد.

بنابراین تلویزیون نقش مهمی در ایجاد تغییر نگرش‌ها، باورها و رفتارهای اجتماعی می‌تواند ایفا کند و نه تنها به‌عنوان یک رسانه خبری و سرگرم‌کننده، بلکه به‌عنوان یک مربی و آموزش‌دهنده در تمامی زمینه‌ها به‌شمار می‌رود. با توجه به ابعاد مذکور و سه هدف اطلاع‌رسانی، آموزش و سرگرمی، برنامه‌هایی مختلف، از جمله برنامه‌هایی که می‌تواند این اهداف را به صورت توأم دنبال کنند، سریال‌های تلویزیونی است که در بین مردم از جایگاه خاصی برخوردار است.

جوانان و نوجوانان دانش‌آموز قشر وسیعی از مخاطبان تلویزیون را تشکیل می‌دهند و تلویزیون به‌عنوان یک رسانه گروهی، جایگاه خاصی در زندگی آنان دارد. تلویزیون پیام‌ها و اطلاعات وسیعی را از طریق برنامه‌های مختلف، خصوصاً سریال‌ها منتقل می‌کند. بدیهی است این نوع برنامه‌ها به لحاظ تأثیر، جمع وسیعی از دانش‌آموزان جامعه ما را تحت پوشش قرار می‌دهند و اگر نتوانند تأثیرات رفتاری قابل ملاحظه‌ای بر جای گذارند، حداقل تأثیرات شناختی آنها قابل انکار نیست.

همه ساله سریال‌های تلویزیونی مختلفی توسط سیمای جمهوری اسلامی ایران تهیه و پخش می‌شود که میزان مورد توجه قرار گرفتن آنها در میان دانش‌آموزان، متفاوت است. دانش‌آموزان (جوانان) امروز آینده‌سازان فردای مملکت هستند و بررسی میزان علاقه و عوامل مؤثر بر گرایش آنها به تماشای این قبیل سریال‌ها تأثیرات شگرفی را بر

آموزش، پرورش، فرایند جامعه پذیری و فرهنگ پذیری بر جای خواهد گذاشت. بنابراین پژوهش حاضر برخی از عوامل مهم و مؤثر در تمایل دانش آموزان به سریال‌های تلویزیونی را مورد بررسی قرار خواهد داد.

این پژوهش بعد از تشخیص سریال‌های پر بیننده به این مسئله می‌پردازد که نوع سریال‌های مورد علاقه افراد چیست؟ دلیل انتخاب اینگونه سریال‌ها چه می‌باشد؟ آیا عواملی نظیر سن، جنس، طبقه اجتماعی، عوامل شناختی صحنه‌های تعلیمی بر میزان توجه آنها به این سریال‌ها تأثیرگذار بوده است؟ و سعی دارد با بررسی موضوعی و محتوایی، راهبردهایی را به منظور غنی‌تر نمودن سریال‌های تلویزیونی ارائه نماید.

### مبانی نظری تحقیق

بر اساس نظریه یادگیری اجتماعی از آلبرت باندورا، همانطور که کودکان مهارت‌های شناختی و اجتماعی را از طریق مشاهده عملکرد والدین، خواهران، برادران، همکلاسی‌ها و معلمان خود می‌آموزند، با تماشای برنامه‌های خشونت‌آمیز تلویزیون نیز یاد می‌گیرند که پرخاشگرانه رفتار کنند. آزمایش‌های متعددی که آلبرت باندورا و همکارانش در دهه ۱۹۶۰ انجام دادند، بیانگر موضوع تقلید از خشونت مشاهده شده است، به عبارت دیگر با تماشای شخصیت‌های تلویزیونی مورد علاقه‌ای که به گونه خشونت‌آمیز رفتار می‌کنند، که این امکان وجود دارد که بینندگان جوان با بازیگران همانند سازی کنند.

نیوکامپ<sup>۱</sup> و کالینز<sup>۲</sup>: در سال ۱۹۷۹ در تحقیقات خود به این نتیجه رسیدند، برنامه‌ای که طبقه اجتماعی نزدیک به طبقه اجتماعی کودکان را نشان بدهد نسبت به برنامه‌هایی که طبقه‌های اجتماعی متفاوتی را نشان بدهد از سوی کودکان بهتر درک می‌شود (علیپور ملاحاشی، ۱۳۸۱: ۶۷).

الوین تافلر<sup>۳</sup>: جامعه شناس آمریکایی، یکی از نقش‌های مهم وسایل ارتباط جمعی را ارائه الگوهای متعدد زندگی به کودکان و نوجوانان می‌داند: «قبل از هجوم رسانه‌های همگانی، کودک جوامع سنتی در دهکده‌ای که به‌طور سطحی تغییر می‌کرد، بزرگ می‌شد و انگاره خود از واقعیت را از میان مقادیری که منابع محدود و انگشت شماری

1. New comb  
3. Alvin Toffler

2. Collins

چون معلم، کشیش (یا روحانیون مذهبی) حاکمان و (از همه مهمتر) خانواده در اختیارش می‌گذاشتند، می‌ساخت» وی سپس به سخنان هربرت گرجوی<sup>۱</sup> اشاره می‌کند: در آن زمان رادیو یا تلویزیونی در خانه نبود که به کودک امکان دهد این همه افراد بیگانه و گوناگون را با خصوصیات مختلف یا از ملتهای متفاوت ببیند ... اکثریت مردم حتی جایی غیر از محل سکونت خود را ندیده بودند، در نتیجه افرادی که می‌توانستند از آنها تقلید کنند و آنها را الگو قرار بدهند، بسیار کم بودند، حق انتخاب آنان نیز محدود بود، زیرا افرادی که الگوی کودکان بودند، به علت مباشرت با افراد معدود، تجربه محدودی داشتند. بنابراین، تصاویری که به وسیله کودک روستایی از جهان خلق می‌شد، فوق‌العاده محدود بود، زندگی صنعتی راههایی را که از طریق آنها فرد تصاویر ادراکی خود را از واقعیت به دست می‌آورد، چنین کرد: کودک، دیگر تصورات خود را صرفاً از طبیعت یا اطرفیان دریافت نمی‌کرد، بلکه روزنامه‌ها، مجلات، رادیو و بعدها تلویزیون نیز در این امر به وی کمک کردند (تافلر، ۱۳۶۳: ۲۱۷-۲۱۶).

کلویی معتقد است: «هنگامی که می‌گوئیم برنامه‌های تلویزیونی جالب توجه است، منظورمان این است که متن و شکل آن باعث عکس‌العمل خوشایند در درون کودک می‌شود. به عبارت دیگر برنامه احتیاج خاصی را در درون کودک و نوجوان ارضا می‌کند یا اطلاعاتی را که او به آنها نیاز دارد در اختیارش قرار می‌دهد و یا حتی امکان این وجود دارد که هیجان خاصی را در او ارضا کند (رشیدپورا، ۱۳۵۴: ۱۸). طرز فکر و اعتقادات اطفال می‌تواند تحت تأثیر آنچه در برنامه‌های تلویزیونی می‌بینند شکل بگیرد و هنگامی که اطفال شاهد وقایع و حوادث برنامه‌های تلویزیونی هستند هیجان‌ات و محرکات، به صورتی که بوسیله قهرمانان در روی صفحه منعکس می‌شود در آنها بروز می‌کند. در ضمن، اطفال از تلویزیون به عنوان منبعی که به آنها فرصت می‌دهد از مطالب آن در شکل دادن به تجارب خود بهره‌برداری کند استفاده می‌کنند» (همان: ۴۲-۴۱).

دکتر جان کندری<sup>۲</sup> روانشناس آمریکایی، در مقاله دزد وقت، خدمتکار بی‌وفا می‌نویسد: انگیزه کودکان از نشستن در پای تلویزیون با خواست بزرگترها فرق دارد. بزرگترها به اقرار خودشان برای سرگرمی به تماشای تلویزیون می‌پردازند، ولی کودکان ضمن اینکه طالب سرگرمی هستند، غالباً برای فهمیدن دنیای اطراف به تلویزیون می‌نگرند (پوپر و کندری، ۱۳۷۴: ص ۳۱). در واقع کودکان در حالی به تلویزیون روی

1. Herbert Gerjoy

2. John Condry

می‌آورند که در مقایسه با بینندگان بزرگسال و نیز سازندگان برنامه‌های تلویزیونی شناخت کمتری در مورد جهان مادی و معنوی دارند.

نظر کنده‌ری در مورد تفاوت رضامندی کودکان و نوجوانان در رابطه با برنامه‌های تلویزیون این است که در دوازده سالگی، ذائقه نوجوانان چه دختر باشند یا پسر، شروع به تغییر می‌کند و به سمت ذائقه بزرگترها گرایش می‌یابد. دخترها به رمان‌های تلویزیونی روی می‌آورند. با این باور که از آنها (چیز) یاد بگیرند و پسرها، اغلب به دلیل مشابه به برنامه‌های پرحرکت و پرحادثه روی می‌آورند (پوپروکندی، ۱۳۷۴: ۳۶).

از نظر سیملوایت: وقتی جنبه عاطفی قضیه را در نظر می‌گیریم، تلویزیون از راه قالب‌ها و تم‌های معنی که برای برنامه‌های مورد علاقه کودکان (نمایش‌های خانوادگی و ...) انتخاب کرده است، می‌تواند به کودکان یک نوع اطمینان و امنیت روانی ببخشد و آزدانه باعث این شود که کودکان با تماشای این قبیل برنامه‌ها هیجان‌های عاطفی و درونی خود را رها سازند. این برنامه‌ها دارای ویژگی‌های مهم و قابل توجهی مثل «تغییر مداوم»، «هیجان» و «دلهره» هستند، که از هر جهت مورد علاقه بچه‌ها است. (رشیدپور، ۱۳۵۴: ۱۶)

### روش تحقیق

در این تحقیق ما یک فرضیه کلی و شش فرضیه جزئی به قرار زیر داشتیم:  
فرضیه کلی: به نظر می‌رسد تمایل دانش‌آموزان به سریال‌هایی تلویزیونی متفاوت است.

### فروضیات جزئی:

- ۱- به نظر می‌رسد، تمایل دانش‌آموزان متعلق به گروه‌های جنسی مختلف به سریال‌های تلویزیونی متفاوت است.
- ۲- به نظر می‌رسد، تمایل دانش‌آموزان متعلق به گروه‌های سنی مختلف به سریال‌های تلویزیونی متفاوت است.
- ۳- به نظر می‌رسد، تمایل دانش‌آموزان متعلق به طبقات اجتماعی - اقتصادی مختلف به سریال‌های تلویزیونی متفاوت است.

۴ - به نظر می‌رسد، شدت توجه به عوامل شناختی<sup>۱</sup> در سریال‌های تلویزیونی بر تمایل دانش‌آموزان به مشاهده آنها تأثیر می‌گذارد.

۵ - به نظر می‌رسد، شدت توجه به صحنه‌های انتظاری<sup>۲</sup> (تعلیقی) در سریال‌های تلویزیونی بر تمایل دانش‌آموزان به مشاهده آنها تأثیر می‌گذارد.

۶ - به نظر می‌رسد تمایل پسران و دختران نسبت به تماشای سریال‌های با صحنه‌های خشونت‌آمیز متفاوت است.

متغیرهای تحقیق سن، جنس، طبقه اجتماعی - اقتصادی، عوامل شناختی، صحنه‌های انتظاری، صحنه‌های خشونت‌آمیز است و متغیر وابسته تمایل به سریال‌های تلویزیونی است. برای هر کدام از متغیرها شاخص‌های گوناگونی در نظر گرفته شد.

#### جامعه آماری، حجم و شیوه نمونه‌گیری

جامعه آماری کلیه دانش‌آموزان روزانه دولتی مقطع دبیرستان و پیش‌دانشگاهی شهری نواحی پنجگانه شهر اصفهان می‌باشد که تعداد آنها در سال تحصیلی ۸۱-۸۰، ۱۰۷۸۶۳ نفر بوده است. در قسمت اول پژوهش که شناسایی سریال‌های تلویزیونی پربیننده می‌باشد، فرم‌های نظرسنجی در میان ۱۰۰ نفر از دانش‌آموزان ۵ ناحیه شهر اصفهان به صورت تصادفی توزیع شد.

حجم نمونه در بخش دوم یعنی بررسی عوامل مؤثر بر گرایش دانش‌آموزان به سریال‌های فوق، با توجه به عدم دسترسی به واریانس صفت مورد مطالعه (میزان گرایش دانش‌آموزان به انواع سریال)، ابتدا ۱۰۰ پرسشنامه مقدماتی توزیع و واریانس برآورد گردید. سؤالات پرسشنامه شامل ویژگی‌ها و مشخصات پاسخگویان و نظر آنان نسبت به سریال‌های تلویزیونی برحسب اولویت بود.

برای نمونه‌گیری از روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای استفاده شد. ابتدا از بین پنج ناحیه آموزش و پرورش شهر اصفهان تعدادی از دبیرستان‌های دخترانه و پسرانه به صورت تصادفی انتخاب و سپس در هر دبیرستان تعداد نمونه‌ها متناسب با جمعیت آماری هر ناحیه و دبیرستان تصادفی تعیین گردید. جمع کل پاسخگویان ۳۹۱ نفر بود که

۱. منظور از عوامل شناختی صحنه‌هایی است که جنبه آموزشی و یادگیری برای مخاطبان دارد.

۲. منظور صحنه‌هایی است که بیننده را در یک حالت انتظار قرار می‌دهد. به گونه‌ای که بیننده در تمام لحظات به دنبال واقعه فیلم است.

۲۰۳ نفر آنها دختر و ۱۸۸ نفر پسر بودند. سن افراد موردنظر بین ۱۴ تا ۱۹ بوده است. که پایه تحصیلی آنها از اول دبیرستان تا پیش دانشگاهی بود.

### تجزیه و تحلیل اطلاعات

اولویت‌های پاسخگویان بطور کلی از این قرار بود:

۱ - سریال خط قرمز                      ۲ - سریال پس از باران                      ۳ - سریال زیر آسمان شهر  
 ۴ - سریال شب دهم                      ۵ - سریال در دسر والدین                      ۶ - سریال شب آفتابی

اطلاعات مربوط در جدول شماره (۱) آمده است.

جدول شماره ۱. مقایسه میانگین رتبه ۶ سریال تلویزیونی پربیننده جهت تعیین اولویت آنها در جامعه آماری

| اولویت در نمونه آماری | میانگین رتبه | نوع فیلم                           |
|-----------------------|--------------|------------------------------------|
| اول                   | ۲/۶۵         | اجتماعی (خط قرمز)                  |
| دوم                   | ۳/۲۹         | اجتماعی - فرهنگی (پس از باران)     |
| سوم                   | ۳/۳۰         | طنز - انتقادی (زیر آسمان شهر)      |
| چهارم                 | ۳/۳۱         | مذهبی - اجتماعی (شب دهم)           |
| پنجم                  | ۳/۹۹         | خانوادگی - اجتماعی (در دسر والدین) |
| ششم                   | ۴/۴۶         | اجتماعی - آموزشی (شب آفتابی)       |

تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش در دو سطح آمار توصیفی و استنباطی انجام گرفت و نتایج زیر به دست آمد:

بر اساس آزمون فریدمن مشخص شد که رتبه‌بندی دانش‌آموزان در رابطه با سریال‌ها یکسان نیست. بیشترین تمایل به سریال اجتماعی خط قرمز و کمترین تمایل به سریال اجتماعی - آموزشی شب آفتابی بوده است. در واقع اولویت پاسخگویان برحسب محتوای سریال‌ها به قرار زیر بود: اول سریال‌های اجتماعی، دوم سریال‌های اجتماعی - فرهنگی، طنز - انتقادی و مذهبی - اجتماعی، سوم سریال‌های خانوادگی - اجتماعی و چهارم سریال‌های اجتماعی - آموزشی است. پس فرضیه کلی ما دال بر تفاوت اولویت پاسخگویان اثبات شد. این مسئله از جدول شماره (۲) مستفاد می‌شود.



جدول شماره ۲. مقایسه میانگین رتبه سریال‌های تلویزیونی مورد علاقه پاسخگویان

| میانگین رتبه | انواع سریال   |
|--------------|---------------|
| ۲/۶۵         | خط قرمز       |
| ۳/۲۹         | پس از باران   |
| ۳/۳۰         | زیر آسمان شهر |
| ۳/۳۱         | شب دهم        |
| ۳/۹۹         | دردسر والدین  |
| ۴/۴۶         | شب آفتابی     |

$$X^2 = ۲۴۹/۹۲$$

$$\text{Sig} = ۰/۰۰۰$$

در فرضیه‌های جزئی به برخی از عوامل مؤثر بر وجود تفاوت بین اولویت‌های پاسخگویان پرداخته شده است.

در فرضیه اول رابطه جنس با نوع اولویت مورد بررسی قرار گرفت و ثابت شد که این تفاوت وجود دارد. به این صورت که تمایل پسران بیشتر به سریال‌های اجتماعی - فرهنگی، اجتماعی - آموزشی و مذهبی - اجتماعی است. در حالی که تمایل دختران بیشتر به سوی سریال‌هایی طنز - انتقادی و خانوادگی - اجتماعی است. این امر را می‌توان از جدول شماره (۳) دریافت.

پروژه‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

جدول شماره ۳. مقایسه میانگین‌های تمایل به انواع سریال در گروه‌های جنسی مختلف در رابطه با فرضیه اول پژوهش

| نوع سریال          | جنس  | میانگین رتبه | میانگین حسابی | آماره Z | سطح معنی داری Sig |
|--------------------|------|--------------|---------------|---------|-------------------|
| اجتماعی - فرهنگی   | دختر | ۱۸۱/۲        | ۳/۴           | -۲/۷۲۱  | ۰/۰۰۷             |
|                    | پسر  | ۲۱۱/۹        | ۳/۹           |         |                   |
| طنز - انتقادی      | دختر | ۲۱۲/۶        | ۳/۸           | -۳/۰۶۴  | ۰/۰۰۲             |
|                    | پسر  | ۱۷۸/۱        | ۳/۲           |         |                   |
| اجتماعی            | دختر | ۱۹۶/۵        | ۲/۹           | -۰/۰۸۸  | ۰/۹۳۰             |
|                    | پسر  | ۱۹۵/۵        | ۲/۹           |         |                   |
| اجتماعی - آموزشی   | دختر | ۱۷۶/۶        | ۴/۷           | -۳/۵۸۸  | ۰/۰۰              |
|                    | پسر  | ۲۱۶/۹        | ۵/۲           |         |                   |
| خانوادگی - اجتماعی | دختر | ۲۰۶/۷        | ۴/۶           | -۱/۹۷۴  | ۰/۰۴۸             |
|                    | پسر  | ۱۸۱/۴        | ۴/۲           |         |                   |
| مذهبی - اجتماعی    | دختر | ۱۸۱/۵        | ۳/۳           | -۲/۶۷۱  | ۰/۰۰۸             |
|                    | پسر  | ۲۱۱/۷        | ۳/۹           |         |                   |

در فرضیه دوم رابطه گروه سنی با نوع اولویت مورد آزمون قرار گرفت و رد شد به عبارت دیگر، تمایل دانش‌آموزان متعلق به دو گروه سنی مورد مطالعه مشابه است. اطلاعات مربوط به این فرضیه در جدول شماره (۴) آمده است.

جدول شماره ۴. مقایسه میانگین‌های تمایل به انواع سریال در گروه‌های سنی مختلف در رابطه با فرضیه دو پژوهش

| نوع سریال         | نام سریال    | گروهها | میانگین رتبه | میانگین حسابی | آماره Z | سطح معنی داری Sig |
|-------------------|--------------|--------|--------------|---------------|---------|-------------------|
| اجتماعی- فرهنگی   | پس از باران  | ۱۴-۱۶  | ۱۹۴/۴۷       | ۳/۶۴          | -۰/۳۲۸  | ۰/۷۴۳             |
|                   |              | ۱۷-۱۹  | ۱۹۸/۲۳       | ۳/۷۱          |         |                   |
| طنز- انتقادی      | زیرآسمان شهر | ۱۴-۱۶  | ۱۹۶/۰۴       | ۳/۵۴          | -۰/۰۰۸  | ۰/۹۹۴             |
|                   |              | ۱۷-۱۹  | ۱۹۵/۹۵       | ۳/۵۲          |         |                   |
| اجتماعی           | خط قرمز      | ۱۴-۱۶  | ۱۶۴/۴۹       | ۲/۸۵          | -۰/۳۲۹  | ۰/۷۴۲             |
|                   |              | ۱۷-۱۹  | ۱۹۸/۲۰       | ۲/۹۳          |         |                   |
| اجتماعی- آموزشی   | شب آفتابی    | ۱۴-۱۶  | ۱۹۳/۵۸       | ۴/۸۶          | -۰/۵۲۲  | ۰/۶۰۲             |
|                   |              | ۱۷-۱۹  | ۱۹۹/۵۴       | ۴/۹۹          |         |                   |
| خانوادگی- اجتماعی | دردسروالدین  | ۱۴-۱۶  | ۱۸۹/۸۷       | ۴/۲۷          | -۱/۳۱۲  | ۰/۱۸۹             |
|                   |              | ۱۷-۱۹  | ۲۰۴/۹۴       | ۴/۵۱          |         |                   |
| مذهبی- اجتماعی    | شب دهم       | ۱۴-۱۶  | ۲۰۴/۰۵       | ۳/۷۳          | -۱/۷۲۳  | ۰/۰۸۵             |
|                   |              | ۱۷-۱۹  | ۱۸۴/۲۶       | ۳/۳۳          |         |                   |

فرضیه سوم اختصاص به بررسی رابطه طبقه اجتماعی دانش‌آموزان و اولویت آنها نسبت به سریال‌های تلویزیونی دارد نتایج حاصل از جدول شماره (۵) نشان می‌دهد، اولویت دانش‌آموزان متعلق به طبقات اجتماعی مختلف در مورد چهار نوع سریال اجتماعی- فرهنگی، طنز- انتقادی، خانوادگی- اجتماعی، و مذهبی- اجتماعی تقریباً یکسان است اما تمایل آنها در مورد دو نوع سریال اجتماعی و اجتماعی- آموزشی متفاوت است. طبقه اجتماعی پایین بیشتر تمایل به سریال‌های اجتماعی- فرهنگی و طبقه اجتماعی بالا بیشتر تمایل به سریال‌های اجتماعی- آموزشی است.

جدول شماره ۵. مقایسه میانگین‌های تمایل به انواع سریال در طبقات اجتماعی - اقتصادی مختلف در رابطه با فرضیه سوم پژوهش

| نوع سریال        | نام سریال    | طبقه اجتماعی | میانگین رتبه | میانگین حسابی | II     | درجه آزادی | سطح معنی داری Sig |
|------------------|--------------|--------------|--------------|---------------|--------|------------|-------------------|
| اجتماعی فرهنگی   | پس از باران  | پایین        | ۲۱۹/۲        | ۴/۱           | ۴/۹۱۳  | ۲          | ۰/۰۸۶             |
|                  |              | متوسط        | ۱۹۳/۷        | ۳/۶           |        |            |                   |
|                  |              | بالا         | ۱۸۲/۱        | ۳/۴           |        |            |                   |
| طنز - انتقادی    | زیرآسمان شهر | پایین        | ۲۰۰/۲        | ۳/۷           | ۳/۰۶۲  | ۲          | ۰/۲۱۶             |
|                  |              | متوسط        | ۲۰۱/۹        | ۳/۶           |        |            |                   |
|                  |              | بالا         | ۱۷۸/۴        | ۳/۲           |        |            |                   |
| اجتماعی          | خط قرمز      | پایین        | ۲۲۶/۳        | ۳/۵           | ۷/۷۵۳  |            | ۰/۰۲۱             |
|                  |              | متوسط        | ۱۸۶/۳        | ۲/۷           |        |            |                   |
|                  |              | بالا         | ۱۹۳/۷        | ۲/۸           |        |            |                   |
| اجتماعی آموزشی   | شب آفتابی    | پایین        | ۲۱۷/۱        | ۵/۲           | ۱۱/۳۷۱ | ۲          | ۰/۰۰۳             |
|                  |              | متوسط        | ۱۷۹/۳        | ۴/۷           |        |            |                   |
|                  |              | بالا         | ۲۱۷/۸        | ۵/۳           |        |            |                   |
| خانوادگی اجتماعی | دردسروالدین  | پایین        | ۲۰۴/۹        | ۴/۵           | ۰/۶۲۶  | ۲          | ۰/۷۳۱             |
|                  |              | متوسط        | ۱۹۳/۶        | ۴/۳           |        |            |                   |
|                  |              | بالا         | ۱۹۴/۳        | ۴/۴           |        |            |                   |
| مذهبی اجتماعی    | شب دهم       | پایین        | ۱۹۹/۶        | ۳/۷           | ۰/۱۹۹  | ۲          | ۰/۹۰۵             |
|                  |              | متوسط        | ۱۹۳/۸        | ۳/۵           |        |            |                   |
|                  |              | بالا         | ۱۹۸/۱        | ۳/۶           |        |            |                   |

فرضیه چهارم را به بررسی رابطه بین اولویت پاسخگویان و محتوای شناختی سریال اختصاص دادیم و ثابت شد که شدت عوامل شناختی موجود در سریال در گرایش دانش آموزان مؤثر است. اطلاعات مربوط به این فرضیه در جدول شماره (۶) آمده است.

جدول شماره ۶. میانگین‌های گرایش به سریال‌های تلویزیونی با توجه به شدت عنصر شناختی موجود در سریال

| سطح معنی‌داری<br>sig | درجه آزادی | H    | گرایش به سریال |               | شدت عنصر شناختی در سریال | نوع سریال                                  |
|----------------------|------------|------|----------------|---------------|--------------------------|--|
|                      |            |      | میانگین رتبه   | میانگین حسابی |                          |  |
| ۰/۰۳۲                | ۲          | ۶/۸۳ | ۱/۹۷           | ۳/۷۹          | بالا                     | اجتماعی<br>مذهبی-اجتماعی<br>اجتماعی-آموزشی |
|                      |            |      | ۲/۱۰           | ۳/۹۶          | متوسط                    | خانوادگی-اجتماعی<br>طنز انتقادی            |
|                      |            |      | ۱/۹۳           | ۳/۶۷          | پایین                    | اجتماعی-فرهنگی                             |

در فرضیه پنجم به بررسی رابطه وجود صحنه‌های انتظاری (تعلیقی) و اولویت دانش‌آموزان پرداخته شده است جدول شماره (۷) نشان می‌دهد که فرضیه فوق ثابت می‌شود. در واقع تمایل دانش‌آموزان به سریال‌هایی است که این صحنه‌ها در آنها متوسط است و نه خیلی زیاد یا خیلی کم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

جدول شماره ۷. مقایسه میانگین‌های گرایش به سریال‌های تلویزیونی با توجه به وجود صحنه‌های انتظاری در سریال

| سطح معنی‌داری<br>sig | درجه<br>آزادی | H     | گرایش به سریال  |                  | شدت<br>صحنه‌های<br>انتظاری<br>در سریال | نوع سریال  |
|----------------------|---------------|-------|-----------------|------------------|--|--|
|                      |               |       | میانگین<br>رتبه | میانگین<br>حسابی |  |  |
| ۰/۰۰۰                | ۲             | ۸۴/۵۴ | ۱/۹۷            | ۳/۷۹             | بالا                                   | اجتماعی<br>مذهبی-اجتماعی                             |
|                      |               |       | ۲/۱۰            | ۳/۹۶             | متوسط                                  | اجتماعی-فرهنگی<br>خانوادگی-اجتماعی<br>اجتماعی-آموزشی |
|                      |               |       | ۱/۹۳            | ۳/۶۷             | پایین                                  | طنز انتقادی  |

و نهایتاً فرضیه ششم اختصاص به بررسی رابطه بین تمایل جنس‌های مختلف و وجود صحنه‌های خشن در سریال دارد. این فرضیه همانطور که از جدول شماره ۸ (۸) برمی‌آید اثبات می‌شود و گویای آنست که تمایل دختران به سریال‌های دارای صحنه‌های خشن بیشتر است.

جدول شماره ۸. مقایسه میانگین‌های جنس و صحنه‌های خشن در سریال‌های تلویزیونی

| سطح معناداری<br>sig | آماره Z | تمایل به سریال‌ها با صحنه‌های خشن |                 | تعداد | جنس  |
|---------------------|---------|-----------------------------------|-----------------|-------|------|
|                     |         | میانگین حسابی                     | میانگین رتبه‌ای |       |      |
| ۰/۰۰۰               | -۵/۱۸۳  | ۳/۹۹                              | ۲۲۶/۶۴          | ۲۰۳   | دختر |
|                     |         | ۳/۵۵                              | ۱۶۷/۶۲          | ۱۸۸   | پسر  |

### نتیجه‌گیری و پیشنهادات

در حال حاضر، تلویزیون بیش از همه وسایل ارتباط جمعی، توجه افراد را به خود جلب کرده و مورد استفاده آنها قرار می‌گیرد. به شهادت آمار و ارقام، مطالعات دانشمندان و تجارب روزمره زندگی: این وسیله مقدار زیادی از اوقات فراغت نوجوانان و جوانان را به خود اختصاص می‌دهد و تقریباً وسایل ارتباطی جمعی دیگر را از میدان رقابت خارج نموده است. به دلیل این قدرت نفوذ تلویزیون به خصوص رابطه و اثرات آن بر جوانان و نوجوانان بیش از سایر رسانه‌ها مورد توجه متخصصین قرار گرفته و بر روی آن مطالعه کرده‌اند، از جمله برنامه‌های مستمر تلویزیون سریال می‌باشد. سریال‌های تلویزیونی از جمله برنامه‌هایی هستند که مورد علاقه گروه سنی جوان می‌باشند و تأثیرات بسیار زیادی بر آنها می‌گذارند.

بنابراین با توجه به اهمیت و ضرورت موضوع، تشخیص داده شد که پیرامون عوامل مؤثر بر گرایش قشر جوان و نوجوان به سریال‌های تلویزیونی، تحقیقی صورت گیرد و همچنین محتوا و موضوع اینگونه برنامه‌ها بررسی شود.

اهداف کلی این تحقیق به شرح ذیل مورد بررسی قرار گرفتند:

۱- شناسایی سریال‌های پربیننده از دیدگاه دانش‌آموزان دوره متوسطه نواحی پنجگانه شهر اصفهان.

۲- بررسی عوامل مؤثر بر گرایش دانش‌آموزان دوره متوسطه نواحی پنجگانه شهر اصفهان به سریال‌های تلویزیونی.

۳- بررسی موضوعی و محتوایی سریال‌های تلویزیونی پربیننده.

۴- ارائه راهبردهایی به منظور غنی ساختن سریال‌ها در جهت ارتقاء سطح فرهنگ. یک فرضیه کلی و شش فرضیه جزئی نیز در جهت رسیدن به اهداف فوق تنظیم گردید. روش تحقیق در این پژوهش، توصیفی-پیمایشی و تحلیل محتوای کیفی بوده است.

حوزه پژوهش سریال‌های پربیننده تلویزیونی منتخب دانش‌آموزان بود و جامعه آماری؛ کلیه دانش‌آموزان روزانه دولتی شهری مقطع دبیرستان و پیش‌دانشگاهی نواحی پنجگانه شهر اصفهان در سال تحصیلی ۸۱-۸۰ بوده است که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای، تعداد ۳۹۱ نمونه انتخاب شد. ابزار گردآوری اطلاعات، فرمهای نظرسنجی طراحی شده و همچنین پرسشنامه محقق ساخته با ۲۵ سؤال باز و بسته بوده است که اعتبار پرسشنامه براساس ضریب همبستگی اسپیرمن ۸۵

درصد برآورده گردید.

سوالات پرسشنامه در قالب ویژگی‌ها و مشخصات نمونه آماری با استفاده از شاخص‌های آماری توصیفی مورد بررسی قرار گرفت. سریال‌ها توسط دانش‌آموزان اولویت‌بندی و در بخش تحلیل محتوا، شاخص‌هایی نظیر صحنه‌های خشونت‌آمیز، صحنه‌های انتظاری و عوامل شناختی در نظر گرفته شد. بعد از مشاهده سریال‌ها، نتایج زیر حاصل گردید.

- اولویت اول؛ سریال خط قرمز از نوع اجتماعی، دارای صحنه‌های خشن و عوامل شناختی و انتظاری بالایی می‌باشد.

- اولویت دوم؛ سریال پس از باران از نوع اجتماعی - فرهنگی دارای صحنه‌های خشن و عوامل شناختی پائین و عوامل انتظاری متوسط می‌باشد.

- اولویت سوم؛ سریال شب دهم از نوع مذهبی - اجتماعی، دارای صحنه‌های خشن و عوامل شناختی و انتظاری بالا می‌باشد.

- اولویت پنجم؛ سریال در دسر والدین از نوع خانوادگی - اجتماعی، فاقد صحنه‌های خشن و دارای عوامل شناختی و انتظاری متوسط می‌باشد.

- اولویت ششم؛ سریال شب آفتابی از نوع اجتماعی - آموزشی، دارای صحنه‌های خشن و عوامل شناختی بالا و انتظاری متوسط می‌باشد.

تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش در دو سطح آمار توصیفی و استنباطی در مورد فرضیات پژوهش نشان داد که فرضیه کلی (تفاوت تمایل دانش‌آموزان) فرضیه اول: (جنس)، فرضیه دوم (طبقه اجتماعی)، فرضیه سوم: (محتوای شناختی) فرضیه چهارم: (وجود صحنه‌های انتظاری) و فرضیه پنجم: (وجود صحنه‌های خشن) تأیید و فرضیه دوم (سن) رد شد. در خصوص علت اثبات فرضیه اول باید گفت که این اختلاف احتمالاً به علت برخی خصوصیات شخصیتی، روانی و رفتاری متفاوت دو جنس است.

نظریه جان کندی مبتنی بر تفاوت ذائقه نوجوانان دختر و پسر به برنامه‌های تلویزیونی به نوعی نتایج این فرضیه پژوهش را تأیید می‌نماید. آزاد ارمکی (۱۳۷۸) نیز در بخشی از پژوهش خود به این نتیجه رسیده است که الگوی مصرف برنامه‌های تلویزیونی در میان زنان و مردان، متفاوت است و این اختلاف به لحاظ آماری در سطح اعتبار بیش از ۹۹/۹ درصد معنی‌دار است که با یافته‌های این فرضیه همخوانی دارد.

در توجیه عدم اثبات فرضیه (دوم) به نظر می‌رسد که چون نمونه آماری پژوهش در گروه سنی ۱۹-۱۴ سال بوده می‌توان آن را در گروه نوجوان و جوان طبقه‌بندی نمود که تا



حدی از ویژگی‌ها و خصوصیات فردی مشابهی برخوردار می‌باشند. اگر گروه‌های زیر ۱۴ سال و بیشتر از ۱۹ سال و یا مقاطع دیگر در این نمونه بود احتمال صحت و اثبات فرضیه فوق وجود داشت.

در ارتباط با فرضیه سوم باید گفت با توجه به اینکه در رابطه با سریال‌های تلویزیونی اجتماعی - فرهنگی، طنز - انتقادی، خانوادگی - اجتماعی، مذهبی - اجتماعی، سطح معنی‌داری بیشتر از ۰/۰۵ بوده است. می‌توان نتیجه گرفت که تمایل به این نوع سریال‌ها در میان طبقات اجتماعی مختلف، یکسان بوده است. در رابطه با سریال‌های اجتماعی و اجتماعی - آموزشی سطح معنی‌داری کمتر از ۰/۰۵ و تمایل طبقات اجتماعی - اقتصادی مختلف به این دو نوع سریال متفاوت بوده است. به عبارتی، میزان تمایل طبقات متوسط به سریال خط قرمز و شب آفتابی بیشتر از طبقات پایین و بالا بوده است. نتایج این فرضیه، با توجه به اینکه اکثریت نمونه آماری از طبقه متوسط جامعه با ۵۶/۳ درصد بوده‌اند، قابل توجه می‌باشد. پس چون طبقات تقریباً یکسان بوده است، تمایل نسبت به ۴ نوع سریال نیز یکسان بوده و نسبت به دو نوع دیگر متفاوت بوده است و فرضیه با این توجه قابل قبول می‌باشد.

مک کوبی و ویلسون (۱۹۵۷) ضمن تحقیقاتی پیرامون این مسئله دریافتند که اعمال شخصیت‌های طبقه فعلی فرد از شخصیت‌های طبقه‌ای که فرد در بزرگسالی قصد پیوستن به آن را داد، بهتر به خاطر آورده می‌شود.

همچنین نیوکامپ و کالینزد (۱۹۷۹) «قابل درک بودن برنامه‌ای با طبقه اجتماعی نزدیک به طبقه اجتماعی افراد نسبت به برنامه‌هایی با طبقات اجتماعی متفاوت» را با تحقیقات مفصلی اثبات نموده‌اند. ضمناً نظریه ترکیب مخاطبین مبنی بر طبقه اجتماعی به عنوان عاملی مهم و مؤثر در تشکیل مخاطب، به نوعی این فرضیه را مورد تأیید قرار می‌دهد.

تجزیه و تحلیل یافته‌های مربوط به آزمون فرضیه چهارم نشان داد که سطح معنی‌داری بدست آمده برای شدت عنصر شناختی در سریال‌های تلویزیونی کمتر از ۰/۰۵ بوده است. بنابراین با اطمینان ۹۵٪ می‌توان گفت که تفاوت میانگین‌های گرایش به سریال‌های تلویزیونی با توجه به شدت عوامل شناختی در فیلم، معنی‌دار بوده است. تمایل به تماشای سریال‌هایی که عناصر شناختی در آنها در حد متوسط بوده است، بیشتر از سریال‌هایی با عناصر شناختی بالا و پایین ارزیابی شده است.

با عنایت به ویژگی‌های خاص تلویزیون نظیر استفاده از صدا، موسیقی و تصاویر تحت

عنوان نظام نمادین و نتایج یافته‌های پژوهش‌های قبلی پیرامون نقش این رسانه در پیشرفت تحصیلی، مطالعه، رشد خلاقیت و یادگیری، توجه به اثرات برنامه‌ها بر رشد شناختی و مهمتر از همه تأکید بر عوامل شناختی بسیار حائز اهمیت می‌باشد.

پس تلویزیون پیام‌ها و اطلاعات وسیعی را از طریق برنامه‌های مختلف نظیر فیلم‌ها و سریال‌ها منتقل می‌کند و نوع این اطلاعات و معلومات تنها معلوماتی سنتی نیست، بلکه شامل اطلاعاتی نیز پیرامون نقشهای گوناگون انسان و وضعیت زندگی در خارج از خانه و مدرسه می‌باشد. لذا به میزان وجود عوامل شناختی در برنامه‌های تلویزیونی از جمله سریال‌ها باید توجه زیادی نمود.

عریضی (۱۳۷۴) در پژوهشی به این نتیجه دست یافته است که «بینندگان فیلمهای سینمایی کمتر علاقمند به دیدن فیلم‌هایی می‌باشند که به عوامل شناختی توجه دارند.» بنابراین یافته‌های فرضیه چهارم با نتایج پژوهش فوق‌الذکر همسو می‌باشد و می‌توان گفت که عوامل شناختی در صورتی می‌توانند در سریالهای تلویزیونی دارای تأثیرات مثبتی با اهداف از پیش تعیین شده باشند که در تأکید روی آنها اغراق نشده باشد و در حد متوسط به آنها پرداخته شود. اگر این عوامل و عناصر به میزان کم در سریال‌ها وجود داشته باشد، رشد شناختی و یادگیری کمتر صورت می‌گیرد و اگر به میزان خیلی زیاد مطرح گردد از علاقمندی و جذابیت تماشا توسط افراد نوجوان و جوان کاسته می‌گردد.

تجزیه و تحلیل یافته‌های مربوط به آزمون فرضیه پنجم پژوهش نشان داد که سطح معنی‌داری حاصله در خصوص شدت صحنه‌های انتظاری در سریال‌های تلویزیونی برابر با ۰/۰۰۰ بوده است و می‌توان با اطمینان ۹۹٪ نتیجه گرفت که مقایسه میانگین‌های گرایش به سریال‌های تلویزیونی با توجه به شدت صحنه‌های انتظاری در فیلم، معنی‌دار بوده است. تمایل به تماشای سریال‌هایی که شدت صحنه‌های انتظاری در آنها در حد متوسط بوده است، بیشتر از سریال‌هایی با صحنه‌های انتظاری بالا و پایین ارزیابی شده است. نتایج نظری هیملوایت (۱۹۹۸) مبنی بر اینکه برنامه‌هایی با ویژگیهایی نظیر هیجان، دلهره، تغییر مداوم و ... مورد علاقه و توجه کودکان می‌گردد، صحت این فرضیه را تأیید می‌کند. ضمناً عریضی (۱۳۷۴) به این نتیجه دست یافته است که فیلم‌های سینمایی با صحنه‌های انتظاری (تعلیقی) پربیننده‌ترین فیلم‌ها می‌باشند. بنابراین به نظر می‌رسد صحنه‌های انتظاری از جمله عوامل تأثیرگذار بر میزان تماشای سریال‌های تلویزیونی پربیننده می‌باشند. اما این صحنه‌ها باید در حد متوسط باشد، صحنه‌های انتظاری پائین موجب کسالت بیننده و صحنه‌های انتظاری بالا کاهش کیفی و افت

جذابیت را به دنبال دارند.

یکی دیگر از عوامل مؤثر در توجه مخاطبان نوجوان و جوان سریال‌های پربیننده تلویزیونی وجود صحنه‌های پر زد و خورد و خشونت‌آمیز در برخی از این برنامه‌ها می‌باشد. شاید علت آن باشد که کودک با جایگزینی خود با قهرمانان داستان‌ها، بدینوسیله ناتوانی‌های خود را که در عالم واقع قادر به جبران آنها نیست، جبران می‌کند. یعقوبعلی (۱۳۷۴) در پژوهشی به این نتیجه دست یافت که فیلم‌هایی با مضامین هیجان‌انگیز نظیر زد و خورد، ایجاد وحشت، ضرب و شتم و ... در بین بینندگان، طرفداران بیشتری دارد. گرانپایه (۱۳۷۴) و صغیر (۱۳۷۴) نیز در تحقیقات خود به همین یافته‌ها رسیده‌اند. کرنسیک (۱۹۹۳) نیز طی طرح پژوهشی اذعان نموده است که جوانان فیلم‌های بدون خشونت را خسته کننده، بی‌هیجان و احمقانه توصیف نموده‌اند. نتایج این فرضیه پژوهش با یافته‌های تحقیق گاتر (۱۹۸۷) مبنی بر جذب پسران به خبرهای خشونت‌آمیز در مقایسه با دختران و یادآوری بیشتر آنها از این اخبار، همسو می‌باشد. یافته‌های پژوهش کایرسن (۱۹۸۴) نیز در خصوص مطلع بودن بیشتر پسران از اطلاعات خشونت‌آمیز فیلم‌های تلویزیونی نسبت به دخترها این مسئله را تأیید می‌کند. همچنین گاتر (۱۹۹۱) در پژوهشی پیرامون این مسئله به این موضوع اشاره نموده است که تمایل به برنامه‌های خشونت‌آمیز در پسران بیشتر از دختران بوده و باعث رشد تمایلات ضداجتماعی آنها می‌گردد. کندری هم در نظریه خود تمایل دختران در سنین نوجوانی به رمان‌های تلویزیونی و پسران به برنامه‌های پرحرکت و پرحادثه را عنوان نموده است. برخی از کودکان و نوجوانان نیاز به تحریک یا رهایی از بی‌حوصلگی را با تمایل به تماشای فیلم‌های ترسناک و خشونت‌آمیز ارضاء می‌کنند که عده‌ای از آنها دچار اضطراب شده و عده‌ای دیگر ابراز خرسندی می‌کنند. این واکنش‌های مختلف غالباً با جنسیت بیننده‌ها در ارتباط است؛ پسران لذت بیشتری می‌برند و دختران به احتمال زیاد مضطرب می‌شوند.

### پیشنهادات تحقیق

#### الف: پیشنهادات کاربردی

پیشنهاد به مسئولین صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران و تهیه‌کنندگان و سازندگان سریال‌های تلویزیونی:

۱- لزوم پرمحتوا نمودن مجموعه‌های تلویزیونی؛

- ۲- پرهیز از ساختن سریال‌های پرخرج بی محتوا و ترویج زندگی قشر مرفه جامعه که نمایندهٔ عموم جامعه نیست و تهیهٔ سریال‌های واقع‌بینانه و منطبق با نیازهای طبقه اجتماعی - اقتصادی متوسط جامعه؛
  - ۳- توجه به عوامل و عناصر شناختی موجود در سریال‌ها در حد متوسط و پرهیز از توجه بیش از حد به اینگونه شاخص‌ها به شیوه دستوری و مرکب از مجموعه‌ای از بایدها و نبایدها؛
  - ۴- پرهیز از ارائه پیام‌های ضعیف به منظور جلوگیری از نزول سطح سلیقه مخاطبان؛
  - ۵- توجه به صحنه‌های انتظاری (تعلیق) موجود در سریالها در حد متوسط و پرهیز از نمایش بیش از حد اینگونه صحنه‌ها؛
  - ۶- اجتناب از پخش برنامه‌های خشونت‌آمیز؛
  - ۷- آموزش والدین و دادن آگاهی‌های لازم به دست اندرکاران تعلیم و تربیت در خصوص تخفیف عوارض سوءخسونت در رسانه‌ها و ارائه آخرین یافته‌ها در مورد سنین آسیب‌پذیر و انواع فیلم‌هایی که پیامدهای مخرب مشاهده آنها بیشتر است؛
  - ۸- توجه به جذابیت برنامه‌ها و پرهیز از نمایش مجموعه‌های خسته‌کننده با موضوعات تکراری؛
  - ۹- در نظر گرفتن متغییر سن به‌عنوان شاخصی مؤثر در تهیه سریال‌ها و مجموعه‌های تلویزیونی؛
  - ۱۰- در نظر گرفتن جنس به‌عنوان شاخص مهم در تهیه سریال‌ها و مجموعه‌های تلویزیونی؛
  - ۱۱- فراهم کردن شرایط علمی - منطقی در انتقال مفاهیم مذهبی و ارزشی از تلویزیون به شکل نمایش سریال‌های تلویزیونی؛
  - ۱۲- توجه به ویژگی‌های عاطفی شناختی نوجوانان و جوانان در سنین مختلف در تهیه مجموعه‌های تلویزیونی؛
  - ۱۳- تهیه و ارائه مجموعه‌های تلویزیونی چند وجهی، برانگیزاننده، فعال‌کننده؛
  - ۱۴- لزوم استفاده از بازیگران حرفه‌ای در مجموعه‌ها؛
  - ۱۵- لزوم ساخت برنامه‌هایی در مورد معضلات اجتماعی، زندگی شهری و مشکلات خانوادگی؛
  - ۱۶- تهیه سریال‌های مربوط به مشکلات و مسائل جوانان.
- ب: پیشنهاد جهت پژوهش‌های بعدی

- ۱- تحلیل محتوای کمی سریال‌های پربیننده تلویزیونی؛
- ۲- بررسی و مقایسه عوامل مؤثر در تمایل دانش‌آموزان مقاطع مختلف به سریال‌های تلویزیونی پربیننده؛
- ۳- بررسی عوامل مؤثر بر عدم تمایل نوجوان به سریال‌های تلویزیونی؛
- ۴- بررسی آثار تماشای سریال‌های خوشنوت‌آمیز تلویزیون به رفتار پرخاشگرانه نوجوانان و جوانان.

## منابع

- آزاد ارمکی، تقی. (۱۳۷۸) تلویزیون در ایران: ابزار توسعه یا نمادساز، *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۱۴، تهران: انتشارات دانشکده علوم اجتماعی.
- پوپر، ک. ج. کندری. (۱۳۷۴) *تلویزیون خطری برای دموکراسی*، ترجمه شهیدی مؤدب، تهران: انتشارات اطلاعات.
- تافلر، آ. (۱۳۶۳) *موج سوم*، ترجمه شهیندخت خوارزمی، تهران: نشر نی.
- رشیدپور، ا. (۱۳۵۴) *تلویزیون و اطفال*، تهران: انتشارات رادیو و تلویزیون ملی ایران، چاپ دوم.
- عریضی، ف. (۱۳۷۴) *تحلیل محتوای پنج فیلم ویدئویی در استان اصفهان*، اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی استان اصفهان.
- علیپور ملباشی، ی. (۱۳۸۱) *تلویزیون عامل بزه یا سیستم درمان*، *فصلنامه فرهنگ و ارشاد اردبیل*، شماره نهم و دهم.
- گرانیایه، ب. (۱۳۷۴) *تحلیل محتوای فیلمهای پرمصرف ویدئویی*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز پژوهشهای بنیادی.
- یعقوبعلی‌پور، ف. (۱۳۷۴) *تحلیل محتوای پربیننده‌ترین فیلمهای ویدئویی مؤسسه رسانه‌های تصویری در استان هرمزگان*، اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی استان هرمزگان.
- Ganter , B, AND J. MC Aleer , (1991) *children and Television* , second editions , America.
- Ganter, B, M, Suennevig , (1987) *Behind and in Front of the screen : Television, s Involvement With Family Life* , London.